



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

GPF | GEOPOLITICAL
FUTURES

ارزش چابهار برای هند

هر کشوری که تلاش کند با ایران تجارت داشته باشد، مجبور است ریسک تحریم‌های آمریکا را بپذیرد. این پاسخی بود که وزارت امور خارجه در تاریخ چهاردهم مه به سوالی درباره امضای قرارداد ۱۰ ساله میان شرکت هندی Port Global Limited با سازمان بنادر و کشتیرانی ایران برای توسعه ترمینال شهید بهشتی در بندر چابهار ایران، ارائه شد. این توافقنامه که با حضور وزیر راه هند و وزیر مسکن و راه‌سازی ایران در چابهار امضا شد، هند را مکلف می‌کند تا ۱۲۰ میلیون دلار در زیرساخت‌های توسعه‌ای سرمایه‌گذاری کرده و ۲۵۰ میلیون دلار خط اعتباری برای ایران گشایش کند. هند برنامه‌های بزرگی برای اوراسیا دارد اما فاصله زیادش با این منطقه و کوه‌های مرتفعی که سر راهش قرار دارند، موانعی قابل توجه هستند. در این راستا، برقراری روابط ژئواکونومیکی با ایران موجب می‌شود که هند بتواند از وضعیت محصور در جنوب آسیا خارج شود. اما ملاحظات ایالات متحده آمریکا در خصوص مهار ایران بر این معامله سایه افکنده است. در واقع سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به‌طور واضح و آشکار اعلام کرده که واشنگتن مجوز لازم برای ورود به پروژه چابهار را به هند اعطا نکرده است. حتی اگر آمریکا و هند در خصوص بندر چابهار به نوعی توافق دست پیدا کنند، باز هم این موافقت آنقدر کافی نخواهد بود که بتواند ارتباط هند را با آسیای مرکزی و مناطق فراتر از آن، به‌طور کامل برقرار کند. علاقه هند به بندر چابهار به سال ۲۰۱۶ بازمی‌گردد. در آن زمان دهلی‌نوساخت برخی ترمینال‌ها در این بندر را آغاز کرد. در آستانه توافق هسته‌ای میان ایران و آمریکا در سال ۲۰۱۵، ایالات متحده تحریم‌ها علیه ایران را کاهش داد. در اواخر سال ۲۰۱۸، شرکت هندی اداره بندر را به دست گرفت و از آن سال تا به امروز، عملیات بارگیری بیش از ۹۰ هزار کانتینر ۱۰ متری را به میزان ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تن انجام داده است. البته در اواخر سال ۲۰۱۸ مانع بزرگی پیش آمد که باعث شد فعالیت بیشتر هندی‌ها در این بندر متوقف شود و آن اقدام ترامپ در خروج از توافق هسته‌ای با ایران و بازگرداندن تحریم‌ها بود. در ماه نوامبر همان سال، کاخ سفید مجوزهای موردی و اندکی را به هند ارائه کرد تا در چابهار فعال بماند. این مجوزها با هدف کمک هند به بازسازی و توسعه افغانستان ارائه شد. اما در سال ۲۰۲۰ و پس از اقدام آمریکا در ترور سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، روابط میان تهران و واشنگتن به بدترین سطح ممکن رسید. در نتیجه موضع آمریکا در خصوص چابهار و پس از خروج آمریکا از افغانستان در آگوست سال ۲۰۲۱ به‌طور کلی تغییر کرد. بازگشت طالبان به افغانستان نگاه هندی‌ها را دستخوش تحول کرد و اندکی از چابهار فاصله گرفتند اما امروز دهلی‌نو بار دیگر و با احتیاط تمام با حکومت طالبان در افغانستان ارتباط برقرار کرده است. هند دریافته است که ایران پس از جنگ غزه، به‌عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای ظهور کرده است. از زمانی که حوثی‌های یمن که ارتباط خوبی با ایران دارند، حمله به کشتی‌ها عبوری در دریای سرخ را آغاز کرده‌اند، ناوگان کشتیرانی هند مجبور شده برای کشتی‌هایش که در شمال غربی اقیانوس هند در حرکت‌اند، نیروی اسکورت اعزام کند. هرچند این اقدام برای هند نوعی تمرین محسوب می‌شود و به نیروی دریایی هند اعتبار می‌دهد، اما هند به‌عنوان پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا همچنان خواهان روابط عمیق اقتصادی با آسیای مرکزی و کشورهای اوراسیا است و این رابطه در حال حاضر توسط پاکستان، به‌عنوان مهمترین دشمن و چین به‌عنوان مهمترین رقیب هند، مسدود شده است. از نقطه نظر هند، شرکت با ایران می‌تواند مسیری جایگزین باشد. بندر چابهار که در آب‌های عمیق واقع شده و در دهانه دریای عمان قرار گرفته است، تنها ۵۰۰ مایل دریایی با نزدیکترین بندر هند به نام کندلا فاصله دارد. علاوه بر این چابهار گزینه جایگزین بالقوه‌ای برای بندر گوادر پاکستان است که چینی‌ها در چارچوب کریدور اقتصادی چین و پاکستان در حال توسعه آن هستند.



دست‌های
ایران

ده سال پایانی عمر خود نیز خبرساز شد و با دفاع از حق هسته‌ای ایران و قرارداد برجام و شهید قاسم سلیمانی در رسانه‌ها مطرح شد. او با انتشار مقالاتی در نیویورک‌تایمز و مصاحبه‌هایی با رسانه‌های مختلف از حق برخورداری ایران از انرژی هسته‌ای دفاع کرد و با تلاش‌های اپوزیسیون برای سرنگونی جمهوری اسلامی نیز به مخالفت برخاست. او در حالی که مسیری خلاف دوران حضورش در نظام پهلوی را طی می‌کرد در سال ۱۴۰۰ در سوئیس درگذشت. اردشیر زاهدی، در ۲۴ مهر سال ۱۳۰۷ در تهران به دنیا آمد. پدرش فضل‌الله زاهدی و مادرش خدیجه‌خانم پیرنیا، دختر حسین خان پیرنیا، مؤمن‌الملک، رئیس پیشین مجلس شورای ملی و نوه میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله بود که در دوران صدارت وی، فرمان مشروطیت ایران به امضا رسید. او تحصیلات خود را در تهران و اصفهان به اتمام رساند. زمانی که نوجوان بود، پدرش در مقام فرماندهی لشکر اصفهان، توسط قوای متفقین بازداشت و به خارج از کشور تبعید شد. او برای ادامه تحصیل به مدرسه آمریکایی بیروت رفت و سرانجام در سال ۱۳۲۹ در رشته مهندسی کشاورزی و علوم اقتصادی از دانشگاه یوتا آمریکا فارغ‌التحصیل شد. گویا مدرک تحصیلی او مورد قبول وزارت فرهنگ ایران نبود و با اعمال نفوذ و خارج از ضوابط مورد پذیرش قرار گرفت. در واقع اردشیر زاهدی تحصیلات مناسبی نداشت و پیشرفت خود را مدیون پدرش بود. اردشیر پس از بازگشت به ایران در وزارت کشاورزی مشغول شد و با توجه به روابط نزدیکی که با آمریکایی‌ها داشت، مسئول خزانه‌داری کمیسیون مشترک ایران و آمریکا و دستیار ویژه فرانکلین اس. هاریس، مسئول کمیسیون توسعه روستایی اصل چهار ترومن شد. در جریان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اردشیر زاهدی در کنار پدرش نقش فعالی در بازگرداندن محمدرضاشاه به سلطنت ایفا کرد. او در سال ۱۳۳۶ با شهناز پهلوی ازدواج کرد، این ازدواج تداوم نداشت و در سال ۱۳۴۳ به طلاق انجامید. زاهدی تا مرداد ۱۳۳۸ سرپرست دانشجویان ایرانی خارج از کشور و نماینده مخصوص شاه در امور دانشجویان خارج از کشور بود. از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ به‌عنوان سفیر ایران در واشنگتن به فعالیت پرداخت. همچنین از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۵ با عنوان سفیر ایران در لندن فعالیت کرد. زاهدی پس از بازگشت در دولت هویدا به‌عنوان وزیر امور خارجه منصوب گردید و تا سال ۱۳۵۰ این مسئولیت را برعهده داشت. زاهدی در سال ۱۳۵۱ به‌عنوان سفیر کبیر ایران به آمریکا فرستاده شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در این سمت بود.

کودتای ۲۸ مرداد و ازدواج با شهناز پهلوی

در مرداد ۱۳۳۲، محمدرضاشاه پیش از خروج از ایران، با دلهره و ترس فراوان حکم عزل مصدق و نخست‌وزیری فضل‌الله زاهدی را امضا کرد. شاه از عاقبت کودتا به شدت بیمناک بود و به همین دلیل شرط کرده بود پس از فرار او کودتا کلید بخورد. وقتی شاه ۲۵ مرداد در بغداد خبر شکست اولیه کودتا را شنید بلافاصله بغداد را به مقصد روم ترک کرد. اردشیر زاهدی در چنین شرایطی همکاری نزدیکی با پدرش داشت و به مناسبت حضور در کودتا و خدمات فراوان برای بقای سلطنت پهلوی، نشان درجه یک رستخیز را دریافت کرد: «نظر به اینکه آقای مهندس اردشیر زاهدی چه قبل از روز فرخنده رستخیز ۲۸ مرداد و چه در روز ۲۸ مردادماه قدم به قدم در معیت تیمسار سپهبد زاهدی فعالیت‌های شایانی نموده که کاملاً هم‌آهنگی با عملیات نظامی داشته است لذا کمیسیون پیشنهاد می‌نماید که به یک قطعه نشان درجه ۱ رستخیز مفتخر گردد.»

اردشیر زاهدی از عوامل اصلی در جریان کودتای ۲۸ مرداد بود و کریمت روزولت با آوردن نام مستعار اردشیر زاهدی (مصطفی ویسی) در کتاب خود به حضور فعال او در کودتا صخه می‌گذارد. همچنین روزولت توضیح می‌دهد که برای ملاقات با فضل‌الله زاهدی به همراه مصطفی ویسی به مخفیگاهش می‌رود و درباره اعتمادی که به مصطفی ویسی دارد، می‌گوید: «تاکید کردم فقط شما [مصطفی ویسی]، سپهبد زاهدی و شاهنشاه اسم حقیقی مرا می‌دانید از نظر سایرین اسم من جیمز لاکریج است.» با این حال اردشیر زاهدی در کتاب خاطرات خود، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را اقدامی ملی و در راستای نجات ایران از جنگ و تجزیه شدن و بدون دخالت بیگانگان قلمداد می‌کند، از فعالیت خود و پدرش در کودتا دفاع می‌کند و مصدق را مسبب شکل‌گیری این ماجرا می‌داند: «مصدق در آن موقع اختیار همه مملکت را در دست داشت... اینکه مصدق مجلس شورا و سنرا را منحل کرده و خودش قانون وضع می‌کرد، ارتش را به نیروهای مورد اعتمادش سپرد...» زاهدی اعتقاد داشت که اگر کودتا انجام نمی‌شد توده‌ای‌ها، مصدق را برکنار می‌کردند: «مصدق به آخر خط رسیده بود و نه می‌توانست مملکت را اداره کند و نه حاضر بود مشکل نفت را با بهترین شرایطی که برای ایران آن روز بود حل کند و به بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، نظامی و مذهبی هم نسبت خیانت داده بود...» اردشیر زاهدی اگرچه در خاطرات خود تلاش می‌کند وقوع کودتا را امری داخلی معرفی کند و همکاری با سازمان جاسوسی آمریکا را انکار کند اما اسناد

نشان درجه یک رستخیز را از شاه دریافت کرده بود به‌عنوان آجودان کشوری شاه نیز انتخاب شد. اردشیر زاهدی با سابقه خدمات پدرش به‌سادگی پله‌های ترقی را در دوران محمدرضا طی کرد و پس از ازدواج با شهناز پهلوی به داماد محبوب شاه نیز بدل شد. شاه هرچند به شهناز علاقه‌ای نداشت و تقریباً او را رها کرده بود، اما به اردشیر در مقام داماد علاقه داشت و اردشیر از رجال محبوب و مورد اعتماد شخصی شاه بود. راه یافتن اردشیر به خاندان سلطنتی به میزان اعتماد نزدیکی شاه نسبت به اردشیر افزود و هرچند ازدواج اردشیر و شهناز پس از هفت سال به طلاق منتهی شد اما این اتفاق نیز به جایگاه اردشیر زاهدی صدمه‌ای وارد نکرد. او به‌عنوان سفیر ایران به واشنگتن اعزام شد و با وجود آنکه در بار نخست تنها دو سال در واشنگتن بود، برای ۵ سال عازم لندن شد تا سفیر ایران در بریتانیا باشد. پس از لندن به مدت پنج سال در کابینه امیرعباس هویدا، وزیر امور خارجه بود و در سال ۱۳۵۰ عازم واشنگتن شد و تا زمان وقوع انقلاب اسلامی عهده‌دار این مسئولیت بود. او سال‌های پایانی حکومت محمدرضاشاه را در کنار او بود اما پس از مرگ محمدرضاشاه از کار سیاست‌کناره‌گیری کرد و فرح و فرزندش رضا پهلوی را در فعالیت سیاسی علیه جمهوری اسلامی همراهی نکرد. اما اردشیر زاهدی در

کارنامه دیپلماتیک اردشیر زاهدی از دست داشتن در کودتا تا دامادی شاه

آخرین سفیر



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

میل روزافزون شاه برای کنترل روابط دیپلماتیک و اطلاع از جزئیات روابط خارجی کشور در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به مرور به تبدیل مقام وزیر امور خارجه در حد منشی شخصی شاه در روابط خارجی ادامه پیدا کرد و شاه شخصاً هر روز گزارش وزیر را دریافت و دستورات لازم را به او می‌داد. غلامعباس آرام که نه تحصیلات چندانی داشت و نه مانند بسیاری از رجال عصر پهلوی از سابقه خاندانی برخوردار بود، گزینه مطلوب شاه در سال‌های نخست دهه چهل شد. اما این میل شاه را به سوی گزینه مطلوب‌تری هدایت کرد. اردشیر زاهدی داماد سابق و محبوب شاه که همچنان مورد علاقه او بود، به‌عنوان وزیر امور خارجه برگزیده شد. اردشیر زاهدی که پدرش در ارتش قزاق از یاران رضاشاه در کودتای ۱۲۹۹ بود و در دوران او نیز از فرماندهان مهم ارتش شد، توانست در کودتای ۲۸ مرداد تاج و تخت محمدرضاشاه را هم نجات دهد و این چنین وفاداری خود را به خاندان پهلوی به اثبات برساند. او که